



فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام - سال دوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹

صص ۱۴۵ - ۱۱۵

قابلیت‌ها و ظرفیت‌های همگرایی در جهان اسلام

دکتر محمدرضا حافظ‌نیا - استاد گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دکتر میثم میرزائی تبار* - استادیار گروه مطالعات ژئوپلیتیک، مرکز مطالعات آفریقا، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۰۷

چکیده

جهان اسلام پهنه سرزمینی وسیعی با پراکنش جمعیتی مسلمانان، از سواحل اقیانوس اطلس تا غرب چین و با امتداد و جهت جغرافیایی تقریباً جنوب‌غربی - شمال‌شرقی است که برخوردار از امتیازات اقتصادی، جغرافیایی، ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی، ژئواکونومیکی، ژئوکالچری و... است. با وجود موقعیت مناسب کشورهای اسلامی و برخورداری از بسیاری از ظرفیت‌ها و مزیت‌ها، این کشورها همواره با مشکلات عدیده‌ای در ابعاد مختلف خصوصاً در ابعاد اقتصادی و توسعه‌ای روبرو بوده و هستند. یکی از مهم‌ترین معضلات موجود در دنیای اسلام، موضوع اختلافات و تنش‌ها در میان کشورهای اسلامی و واگرایی‌ها است که توسعه کشورهای اسلامی را در جهت منفی متأثر کرده است. مقاله حاضر، با روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای درصدد بررسی و تحلیل قابلیت‌ها و ظرفیت‌های همگرایی در جهان اسلام است. نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد که جهان اسلام با وجود واگرایی‌هایی که با آن مواجه است، دارای قابلیت‌ها و ظرفیت‌های قابل توجهی است که از بین آنها، در این مقاله چند ظرفیت و قابلیت مهم در جهان اسلام مورد بحث قرار گرفته اند.

کلید واژگان: جهان اسلام، همگرایی منطقه‌ای، ژئوپلیتیک، خاورمیانه.

۱. مقدمه

اسلام دومین دین بزرگ جهان از نظر تعداد پیروان است. گستره پراکندگی مسلمانان در جهان، تمامی قاره‌ها را در بر می‌گیرد اما آنچه که به عنوان جهان اسلام و سرزمین‌ها و کشورهای با اکثریت مسلمان از آن یاد می‌شود، شامل یک گسترده فضایی اصلی از سواحل اقیانوس اطلس تا غرب چین با امتداد و جهت جغرافیایی تقریباً جنوب غربی - شمال شرقی است. ولی خارج از این محدوده نیز جمعیت‌های پراکنده‌ای از مسلمانان در سراسر جهان حضور دارند. سرزمین‌های اسلامی در ابعاد جمعیتی، جغرافیایی، اقتصادی، ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک، ژئوکالچر و... از موقعیت و امتیازات برجسته و تقریباً ممتازی برخوردار هستند و بهره‌مندی از این موقعیت‌ها، منابع قدرت‌ساز و توانمندسازی را در اختیار کشورهای اسلامی و جهان اسلام قرار می‌دهد تا وضعیت و شرایطی به مراتب بهتر از سایر مناطق جهان در اختیار داشته باشند. اما بدیهی است که دنیای اسلام با وجود برخورداری از منابع قدرت در ابعاد جمعیت، فضا و مساحت، توان سیاسی، نیروی نظامی، دسترسی به سه اقیانوس بزرگ، مسیرها و تنگه‌های عبور و مرور دریایی، دسترسی به چهار قاره جهان، برخورداری از ذخایر وسیع انرژی جهان، زمین‌های حاصلخیز، منابع آب شیرین، منابع انرژی برق آبی، منابع مهم معدنی، الگوهای آب و هوایی متنوع، دسترسی به انواع محصولات کشاورزی و باغی و... با مشکلات زیادی در ابعاد مختلف مواجه است. یکی از مهم‌ترین مشکلات جهان اسلام، تسلط فضای تنش، اختلافات و واگرایی‌ها در آن است. این موضوع مسائل و مشکلات مسلمانان را بیش از پیش کرده و مؤلفه‌ای مهم و تأثیرگذار در توسعه‌نیافتگی کشورهای اسلامی است. از دهه‌ها و سال‌های گذشته تاکنون، همواره بر ضرورت اتحاد و همگرایی در جهان اسلام و میان کشورها و ملت‌های مسلمان تأکید شده است اما با وجود اقدامات صورت گرفته در این زمینه، همچنان مشکلات به قوت خود باقی است. هدف اصلی این مقاله این است تا مهم‌ترین ظرفیت‌ها و قابلیت‌های موجود برای تحقق همگرایی میان کشورها و ملت‌های مسلمان را مورد شناسایی و بررسی قرار دهد.

۲. مبانی نظری

۲-۱. همگرایی

همگرایی به لحاظ مفهومی عبارت است از تقریب و نزدیک شدن افراد به سمت نقطه‌ای مشخص که معمولاً به عنوان هدف مشترک آنان شناخته می‌شود. فرآیند همگرایی در ارتباط با بازیگران سیاسی و دولت‌ها، از احساس و درک هدف و منفعت مشترک آغاز می‌شود و سپس مراحل بعدی ادامه پیدا می‌کند و نیروهای اصلی یا تسهیل کننده به تقویت روند همگرایی کمک کرده تا فرآیند را کامل نمایند. مرحله پایانی آن، یکپارچگی مجموعه با پیامدهایی چون امنیت، صلح و توسعه است (Hafeznia, 2011: 373). آمیتای اتریونی^۱ همگرایی را به مثابه وضعیت نهایی تلقی می‌کند، نه یک فرآیند رسیدن به آن. فیلیپ ژاکوب^۲ و هنری تیون^۳ همگرایی را هم فرآیند و هم وضعیت نهایی تلقی می‌کنند. کارل دویچ^۴ از همگرایی به مثابه فرآیندی صحبت می‌کند که منجر به خلق جوامع امن می‌شود. ارنست هاس، همگرایی را فرآیندی برای خلق جوامع امن تعریف شده از دیدگاه نهادی و ایستاری تلقی می‌کند. سرانجام، فدرال‌گرایان طرفدار ژاکوب و تیون وضعیتی را توصیف می‌کنند که در نهایت هدف فرآیند همگرایی را رشد یک اتحادیه فدرالی در میان ملت‌های تشکیل دهنده می‌بیند (Haas, 2008: 139). همگرایی‌ها را از حیث قلمرو جغرافیایی به چهار گروه ذیل می‌توان تقسیم کرد: الف) سطح محلی که از دو یا چند کشور همسایه تشکیل می‌گردد؛ ب) سطح منطقه‌ای که قلمرو جغرافیایی یک حوزه ژئوپلیتیکی را در بر می‌گیرد؛ ج) سطح قاره‌ای که یک قاره را در جهان پوشش می‌دهد؛ د) سطح جهانی که قلمرو جغرافیایی آن سراسر کره زمین است (Hafeznia, 2000: 56-57).

-
1. Amitai Etzioni
 2. Philip Jacob
 3. Henry Tyon
 4. Karl Deutsch



شکل (۱): مراحل تحقق فرآیند همگرایی

(Source: Hafeznia, 2011:374)

۲-۲. بسترهای همگرایی

شکل گیری فرآیند همگرایی و پدیدار شدن یک گروه بندی و تشکل بین المللی و منطقه ای، نیازمند وجود زمینه ها و عوامل خاصی است که عمده ی آنها به شرح ذیل است:

۱. ویژگی های مشترک فرهنگی، تاریخی، مانند زبان، تجربه تاریخی، ایدئولوژی، دین و مذهب، نژاد، قومیت، خاندان و آداب و رسوم مشترک؛

۲. کالبد یکپارچه جغرافیایی مانند شبه جزیره، خلیج، جزیره، فلات، قاره، دریا، اقیانوس، شبه قاره و ... (اتحادیه پاسیفیک، نفتا، سارک، اتحادیه اروپا، شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه کشورهای دریای سیاه)؛

۳. تهدید مشترک اعم از تهدید امنیتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و...؛

۴. علائق، منافع و نقش مشترک مانند گروه ۸ (صنعتی ها)، بازار مشترک اروپا، اوپک و...؛

۵. نیازها و وابستگی های متقابل در زمینه های مختلف، مانند آسه آن و اکو؛

۶. قدرت مسلط و نیروهای سیاسی و ژئوپلیتیک برتر که نقش تأسیس و رهبری همگرایی را به عهده می‌گیرند، مانند کشورهای مشترک المنافع، منطقه فرانکفونی، CIS و غیره.

۷. روابط عاطفی و سیاسی رهبران کشورها، مانند فدراسیون امارات متحده عربی؛

۸. وابستگی‌های تمدنی مانند تمدن اسلامی، تمدن اروپایی، تمدن اسلاوی و

زمینه‌ها و عوامل مزبور به صورت انفرادی یا جمعی (ترکیبی) تأثیر تعیین کننده‌ای بر شکل‌گیری فرآیند همگرایی و پدیدار شدن تشکل‌های جهانی و بین‌المللی و منطقه‌ای دارند (Hafeznia, 2000: 57-58).

۳-۲. جهان اسلام

جهان اسلام هم شامل کشورهای است که اکثریت مردمان آن، دین اسلام را اختیار کرده‌اند و هم نواحی را در بر می‌گیرد که اقلیت‌های مسلمان در آن‌ها سکونت دارند. به عبارتی، جهان اسلام شامل مناطقی از کره زمین است که در آن‌ها قوانین اسلامی و مقررات شرعی حداقل در بین مردم وجود دارد و جلوه‌هایی از باورهای قرآنی در فرهنگ، آداب و رسوم، آموزش‌ها و مناسبات مردم قابل مشاهده است. سرزمین اسلامی با نواحی مسلمان‌نشین تفاوت دارد. در کشورهای اسلامی، افزون بر اکثریت مسلمان، در قانون اساسی آن‌ها، اسلام به عنوان آیین رسمی، شناخته شده است، ولی در نواحی مسلمان‌نشین این ویژگی وجود ندارد و صرفاً آثار دیانت اسلام را در رفتار فردی و اجتماعی مردم مسلمان می‌توان مشاهده کرد و چه بسا با دولت مرکزی در تعارض سیاسی و فرهنگی و در معرض تهدید و فشار نیز باشند. در واقع، منظور از جهان اسلام، مناطقی است که انسان‌های معتقد به مبانی اسلامی را در خود جای داده است و شامل همه گروندگان این مکتب صرف‌نظر از خاک، رنگ، پوست، نژاد، زبان و... می‌شود (Goli Zavareh, 2006: 160).

جهان اسلام شامل یک بدنه اصلی است که از کرانه‌های اقیانوس اطلس شروع شده است و با جهتی تقریباً از جنوب غربی - شمال شرقی تا غرب چین امتداد می‌یابد. خارج از این بدنه پیوسته و یکپارچه ارضی و جغرافیایی، قطعات پراکنده جغرافیایی نیز در اطراف آن یا سایر مناطق جهان در قاره‌های اروپا، آمریکا و آسیا وجود دارد که اکثریت جمعیت آن‌ها را مسلمانان تشکیل می‌دهند. جهان اسلام از نظر موقعیت جغرافیایی، بین ۱۸ درجه عرض جنوبی و ۵۸

۱۲۰ فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام - سال دوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹

درجه عرض شمالی و نیز بین ۱۷ درجه طول غربی و ۱۳۵ درجه طول شرقی قرار گرفته است. کشش جغرافیایی و عرصه آن مجموعاً ۷۲ درجه عرض جغرافیایی و ۱۵۲ درجه طول جغرافیایی را شامل می‌گردد (Hafeznia, 2000: 244-245).

درباره تقسیم‌بندی جغرافیایی جهان اسلام، دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است. برخی آن را به دو بخش مرکز و پیرامون و برخی دیگر از منابع، جهان اسلام را به سه بخش مرکز، غرب و شرق تقسیم کرده‌اند. جهان اسلام را از نظر جغرافیای سیاسی و در یک پهنه‌بندی کلی می‌توان به چهار بخش ذیل تقسیم کرد: الف) مرکز جهان اسلام که در حقیقت گهواره جهان اسلام و منطبق با بخش جنوب غربی آسیا است؛ ب) شمال جهان اسلام که شامل آسیای مرکزی و قفقاز است؛ ج) غرب جهان اسلام که کشورهای شمال آفریقا و شمال شرق و بخش‌های دیگر آفریقا را در بر می‌گیرد؛ د) شرق جهان اسلام که از مرزهای شرقی ایران آغاز شده و تا کرانه‌های غربی اقیانوس آرام گسترش می‌یابد (Ezati, 1999: 31-32).

در یک پهنه‌بندی جزئی‌تر، قلمرو جغرافیایی جهان اسلام که از اکثریت جمعیت بیش از ۵۰ درصد مسلمان برخوردار است را می‌توان به ۱۱ منطقه جغرافیایی به شرح ذیل تقسیم کرد: ۱. جنوب شرق آسیا: شامل فیلیپین، برونئی (دارالسلام)، اندونزی، مالزی، سنگاپور؛ ۲. جنوب آسیا: شامل بنگلادش، پاکستان، مالدیو و بخش‌های مسلمان‌نشین هند؛ ۳. فلات ایران: شامل کشورهای ایران، افغانستان و کشمیر؛ ۴. آسیای مرکزی: شامل ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان و بخش‌های غرب چین (سین کیانگ)؛ ۵. قفقاز و ترکیه: شامل آذربایجان، ترکیه، چچن و داغستان و بخش‌هایی از قبرس و گرجستان؛ ۶. اروپای جنوب شرقی: شامل آلبانی و بوسنی و هرزگوین؛ ۷. شمال آفریقا: شامل مصر، الجزایر، لیبی، تونس، مراکش و صحرا؛ ۸. شرق آفریقا: شامل سومالی، سودان، اتیوپی، اریتره، تانزانیا، کومور و...؛ ۹. غرب آفریقا: شامل موریتانی، سنگال، گینه، سیرالئون، گامبیا، ساحل عاج و نیجریه؛ ۱۰. آفریقای مرکزی: شامل مالی، چاد، نیجر و بورکینافاسو (ولتای علیا)؛ ۱۱. شبه‌جزیره عربستان: شامل عربستان سعودی، عراق، سوریه، لبنان، اردن، فلسطین، یمن، امارات متحده عربی، قطر، بحرین، عمان و کویت (Hafeznia, 2000: 245-246).

براساس آخرین آمارهای ارائه شده تا پایان سال ۲۰۱۸ میلادی از سوی مرکز آموزش و

تحقیقات اقتصادی، اجتماعی و آماری کشورهای اسلامی^۱ وابسته به سازمان همکاری اسلامی، ۲۴،۲ درصد جمعیت جهان، مسلمان هستند و شمار جمعیت مسلمانان در مجموع ۵۷ کشور، یک میلیارد و ۸۳۸ میلیون نفر اعلام شده است (SESRIC^(a), 2019:28). سازمان همکاری اسلامی به عنوان بزرگترین سازمان بین‌المللی اسلامی و دومین سازمان بین‌دولتی بزرگ جهان پس از سازمان ملل متحد، دارای ۵۷ عضو از کشورهای در قاره‌های آفریقا، آسیا، اروپا و آمریکای جنوبی است (Charter of the Organisation of Islamic Cooperation (OIC)).

با وجود این، حدود ۷۴ درصد مسلمانان در ۵۴ کشور جهان، جمعیت اکثریت این کشورها را تشکیل می‌دهند. ۲۳ درصد مسلمانان در سایر کشورهای در حال توسعه و ۳ درصد نیز در مناطق توسعه یافته‌ای مانند آمریکای شمالی، استرالیا، اروپا، نیوزیلند و ژاپن به صورت اقلیت سکونت دارند. بیش از ۶۰ درصد از جمعیت مسلمانان در جنوب و جنوب‌شرقی آسیا و حدود ۲۰ درصد در غرب آسیا و سایر نقاط جهان زندگی می‌کنند. در میان ده کشور برتر از نظر جمعیت مسلمان، اندونزی بیش‌ترین جمعیت مسلمانان را دارد و پس از آن به ترتیب پاکستان، هند، بنگلادش، مصر، نیجریه، ایران، ترکیه، الجزایر و مراکش قرار دارند. در میان ۵۴ کشور با اکثریت مسلمان، در ۵۱ کشور، مسلمانان «اکثریت مطلق» هستند؛ یعنی بیش از ۵۱ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند، در حالی که در سه کشور گینه بیسائو، ساحل عاج و تانزانیا، مسلمانان بزرگ‌ترین گروه مذهبی هستند و ۵۰ یا کمتر از ۵۰ درصد از جمعیت این کشورها را دارند. ۵۳ درصد جمعیت مسلمانان تنها در ۶ کشور جهان یعنی اندونزی، پاکستان، هند، بنگلادش، نیجریه و ترکیه سکونت دارند. ۵۴ کشور با جمعیت اکثریت مسلمان، ۱۹،۱ درصد سطح زمین به استثنای اقیانوس‌ها را در بر می‌گیرند. در حالی که چین، ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا به ترتیب ۶،۵ درصد، ۶،۴ درصد و ۲،۹ درصد سطح زمین به استثنای اقیانوس‌ها را در بر دارند. قزاقستان بزرگ‌ترین مساحت زمین و اندونزی بیش‌ترین جمعیت مسلمان در جهان اسلام را در اختیار دارند (Zafarkhan, 2019:6).

دو مذهب اصلی مردم مسلمان در جهان اسلام، شیعه و اهل سنت است که براساس آخرین

1. SESRIC

۱۲۲ فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام - سال دوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹

آمارهای ارائه شده، یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون نفر اهل سنت و بین ۲۳۰ تا ۲۴۰ میلیون نفر شیعه هستند (World Population Review, 2020).



شکل (۱): نقشه پراکنندگی جمعیت مسلمان در جهان اسلام

۲-۴. منابع قدرت جهان اسلام

کشورهای اسلامی امکانات و فرصت‌های بسیار مهمی برای تبدیل شدن به قدرت جهانی و حداقل منطقه‌ای دارند؛ یکی از فرصت‌ها در بعد سیاسی، برخورداری از ۵۷ رأی در سازمان ملل متحد است (Abolfazli Karizi and Sotoudeh, 2019:415). منابع قدرت جهان اسلام را علاوه بر جمعیت، فضا و مساحت، موقعیت ویژه در سازمان ملل متحد از نظر تعداد اعضا و تعداد آراء مجمع عمومی این سازمان و نیروی نظامی قابل توجه، عوامل دیگری نیز تشکیل می‌دهند که عبارتند از: دسترسی به سه اقیانوس بزرگ و چهار قاره جهان به طور مستقیم؛ قلمرو جغرافیایی خلیج فارس با داشتن ۷۰ درصد ذخایر نفت جهان و حدود ۲۷ درصد گاز طبیعی جهان؛ علاوه بر این جهان اسلام دارای ذخایر بیشتری در شمال آفریقا و جنوب شرق آسیا است؛ برخورداری از جلگه‌های حاصلخیز و برجسته در جهان؛ برخورداری از منابع آب

شیرین رودخانه‌ای و دریاچه‌ای؛ برخورداری از زمینه‌ای مناسب برای تولید انرژی خورشیدی در مناطق صحرایی و غیرصحرایی؛ برخورداری از تولید قابل توجه انرژی هیدروالکتریک و یا برق آبی؛ برخورداری از منابع مهم معدنی از گونه‌های مختلف فلزی و یا غیرفلزی؛ برخورداری از اقلیم و مناطق و الگوهای آب و هوایی متنوع و دسترسی به انواع محصولات کشاورزی و باغی و دامی؛ و در اختیار داشتن مسیرها و گذرگاه‌های آبی عمده و استراتژیک جهان مانند مالاکا، باب‌المندب، هرمز، جبل الطارق، بسفر و داردانل، سوئز، تیرانا، مجمع‌الجزایر اندونزی (Hafeznia, 2000: 249-250).

۳. روش تحقیق

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای اعم از کتاب، مقاله، گزارش‌ها، اخبار رسانه‌های معتبر و... درصدد بررسی و تحلیل قابلیت‌ها و ظرفیت‌های همگرایی در جهان اسلام است. سوال اصلی این است که در جهان اسلام چه قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی برای همگرایی وجود دارد؟

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. قابلیت‌ها و ظرفیت‌های همگرایی

مهم‌ترین قابلیت‌ها و ظرفیت‌های همگرایی در جهان اسلام را می‌توان به شرح ذیل مورد شناسایی و بررسی قرار داد:

۴-۱-۱. تهدیدهای مشترک علیه جهان اسلام

کشورها و ملت‌های جهان اسلام در طول دوره‌های تاریخی، با تهدیدهای مشترکی در ابعاد مختلف مواجه بوده‌اند. مهم‌ترین تهدیدات خارجی متوجه کشورهای اسلامی از سوی غرب و ایالات متحده آمریکا در ابعاد نظامی، سیاسی و فرهنگی و تهدید ارزش‌های اسلامی است. در موضوع تهدید جهان اسلام از سوی غرب و آمریکا، اندیشه اسلامی همواره در تعارض با اندیشه‌ها و آموزه‌های لیبرال دموکراسی غربی بوده است. این موضوع خصوصاً پس از فروپاشی شوروی سابق و شکل‌گیری جهانی شدن‌ها که در واقع به دلیل خاستگاه آن و همچنین قدرت برتر بودن غرب، عملاً مروج اندیشه غربی بوده است، به عرصه رقابت و

تعارض دو اندیشه تبدیل شده و چالش‌ها و تهدیدهای مهمی را علیه جهان اسلام شکل داده است. تقابل غرب و در رأس آن آمریکا با جهان اسلام در هر دو عرصه عملیات سخت در قالب حمله نظامی به کشورهای اسلامی از قبیل افغانستان و عراق و حمایت از گروه‌های تروریستی در قالب جنگ نیابتی علیه مسلمانان، و در عرصه اعمال جنگ و قدرت نرم پیگیری شده است.

آمریکا در تلاش برای حفظ تسلط خود بر جهان اسلام، از ظهور هرگونه رقیب یا اتحادیه که قدرت آن را محدود نماید جلوگیری می‌کند. علاوه بر این، حمایت بی قید و شرط آمریکا از اسرائیل موجب شده است تا هر گونه اقدام جمعی و همبستگی سیاسی که امنیت اسرائیل را تهدید نماید، برای آمریکا غیرقابل قبول باشد. اتحاد کشورهای اسلامی آنان را تبدیل به رقیب جدی برای تمدن غرب می‌کند. لذا آمریکا و سایر قدرت‌های غربی هر گونه پروسه همگرایی میان کشورهای اسلامی را با مشکل مواجه می‌سازند (Fuller and Lesser, 2005: 193-198).

با در نظر داشتن ارزش‌های موجود در جهان اسلام، اقدامات غرب و آمریکا منجر به چالش‌های قابل توجهی علیه تفکر، کشورها و ملت‌های اسلامی شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: چالش‌های هویتی و تقویت از خود بیگانگی در میان شهروندان مسلمان با کم‌رنگ کردن ارزش‌های اسلامی و جایگزین کردن آن با ارزش‌های غربی؛ اسلام‌هراسی و ارائه تصویر نامطلوب از اسلام در میان جوامع جهان؛ ترویج مباحث و موضوعات غیراخلاقی در میان جوانان در جهان اسلام و ترویج الگوی زندگی غربی و در معرض تهدید قرار گرفتن بنیان خانواده در جهان اسلام (Ahmadipour et al, 2010: 12-13).

تهدید دیگر علیه جهان اسلام، ظهور اندیشه صهیونیسم و تأسیس اسرائیل در سرزمین فلسطین و در کنار قدس به عنوان قبله اول مسلمانان جهان و با حمایت انگلستان است. فلسطین، بیت المقدس و مسجد الاقصی مکان‌های مقدس و مهمی برای مسلمانان و جهان اسلام است. تأسیس اسرائیل با اندیشه یهودیت صهیونیست و مخالف با اندیشه اسلامی، تهدیدی جدی برای جهان اسلام خصوصاً در ابعاد مختلف بوده است.

ماهیت تهدیدهای اسرائیل در دو سطح سخت و نرم است. تهدیدهای سخت در حوزه نظامی و بیش‌تر شامل کشورهای هم‌مرز با اسرائیل یعنی سوریه، لبنان، مصر، اردن و... است. در زمینه اقتصادی، سیاست توسعه‌طلبانه اسرائیل با فرصت مناسبی که در آغاز دهه ۱۹۹۰ میلادی در منطقه غرب آسیا با حضور آمریکا مهیا شده، شکل جدی در جهت سلطه اقتصادی بر کل منطقه به خود گرفته است. در زمینه تهدیدهای نرم نیز شاید مهم‌ترین و بالفعل‌ترین تهدیدهای اسرائیل بر علیه کشورهای منطقه و خصوصاً ایران، لبنان، سوریه و... است که در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی با ابزار رسانه و تبلیغات انجام می‌شود (Beygi, 2010: 153).

اما مسئله و تهدید مهمی که اخیراً در جهان اسلام بروز و ظهور داشته، وقوع تروریسم و فعالیت‌های گروه‌های بنیادگرای افراطی و انحرافی به ویژه داعش و با بر چسب اسلام‌گرایی است که تصویری خشونت‌گرایانه از اسلام به نمایش گذاشتند. این گروه‌ها در کشورهای منطقه غرب آسیا از جمله افغانستان، سوریه، عراق، پاکستان، لبنان، یمن و نیز در کشورهای آفریقایی سومالی، نیجریه، مصر، لیبی، و... فعال هستند.

امروز، افراط‌گرایی و خشونت طلبی به مسأله مهمی در جهان اسلام بدل شده است. زیرا که ارزش‌های متعالی اسلامی را در جهان مورد تهدید قرار داده و باعث شکل‌گیری نوعی اسلام‌هراسی در سطح بین‌المللی از سوئی، و شکل‌گیری نفرت مشترک اکثریت مسلمانان در جهان از ماهیت و عملکرد گروه‌های مزبور بدلیل خدشه دار کردن چهره رحمانی اسلام از سوئی دیگر شده است. تهدید مشترک متوجه جهان اسلام با ابعادی و انواعی که برای آن ذکر شد، می‌تواند به عنوان مؤلفه و بستری زمینه‌ساز برای ایجاد همگرایی در میان کشورهای اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

۲-۱-۴. ارزش‌های دینی و اعتقادی مشترک

مسلمانان جهان اعم از شیعه و اهل سنت، ارکان مشترکی را به عنوان ارزش‌ها و باورهای دینی و اعتقادی مورد پذیرش دارند. اصلی‌ترین و مهم‌ترین ارزش دینی مشترک در میان تمامی مسلمانان، اعتقاد به دین اسلام و عمل به آموزه‌های آن است. نقش همبسته‌سازی اسلام از این جهت است که عملاً تمام جنبه‌های زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با تجویز دستورات

اخلاقی، تمامی مسلمانان را بی توجه به نژاد یا زبان به صورت یک جامعه معنوی (امت) متحد در می آورد (Drysdl Alasdair and Blake Gerald, 2007:309). سایر ارکان و ارزش‌ها مشترک میان مسلمانان شامل اعتقاد به وحدانیت خداوند (توحید)؛ اعتقاد به پیامبری حضرت محمد (ص) (نبوت)؛ اعتقاد به آخرت (معاد)؛ اعتقاد به کتاب واحد (قرآن کریم)؛ اعتقاد به قبله واحد (کعبه)؛ برگزاری نماز؛ اعتقاد به حج؛ اعتقاد به امر به معروف و نهی از منکر؛ روزه‌داری در ماه رمضان؛ اعتقاد به جهاد؛ اعتقاد به پرداخت خمس و زکات؛ اعتقاد و احترام مشترک به حضرت علی (ع) و... است.

اسلام دین فطری و طبیعی، و قوانین آن براساس نیاز فطرت و طبیعت بشر وضع شده و مبعوث شدن حضرت محمد (ص) به عنوان آخرین پیامبر خدا و دین اسلام به عنوان خاتم ادیان، متناسب با رشد عقلی بشر است. در این دین، قرآن، ایمان به مبدأ و معاد، نماز، روزه، حج، زکات و فضایل اخلاقی در میان تمام افراد مسلمان عقیده راسخ غیرمتزلزل است و هیچ مسلمانی نیست که به مبادی دین و مابیه الاجتماع زندگی و عقیده مبدأ و معاد شک و تردید داشته باشد. وحدت اسلام در زمان حیات پیامبر (ص) عبارت از تسلیم با گفتن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللَّهِ» و اداء نماز و زکات و حج و اعتقاد به مبدأ و معاد بود (Emadzadeh, 1982:294). در ایسدل و اچ. بلیک در این زمینه معتقدند: «در سراسر قلمرو اسلامی، یکی از ارکان، نماز است که باید ۵ بار در روز گزارده شود. شکل و محتوای این نمازها از نظر جغرافیایی چندان تغییر نمی‌کند. مهم این است که کلیه مسلمانان در موقع نماز به طرف مکه می‌ایستند که این امر یگانگی آن‌ها و نقش وحدت بخش اسلام را مورد تأیید قرار می‌دهد. کلیه مسلمانان باید به ایمان خود شهادت دهند با تکرار این جمله «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللَّهِ»، به نیازمندان و فقیران زکات بدهند، برای یک ماه (رمضان) روزه بگیرند و دست کم یک بار در طول عمر برای زیارت حج به مکه بروند. نقش حج به ویژه تقویت حس عمیق تعلق به جامعه اسلامی است. حج یکی از اشکال اصلی کنش متقابل فضایی در میان مسلمانان است و راهی است که با آن وحدت اسلام طی قرون متمادی حفظ شده است» (Drysdl Alasdair and Blake Gerald, 2007:309).

آیت‌ا... محمد حسین کاشف الغطاء (۱۲۹۴-۱۳۷۳ ه.ق) از علما و مراجع تقلید نجف نیز در مقاله‌ای می‌نویسد: «مسلمانان اگر در بعضی از اصول و فروع اختلاف داشته باشند، در یک دسته از امور مطابق احادیث معتبره و مسلم الصدور با هم اتفاق دارند. مثلاً هر کس شهادتین خود را اداء کند و اسلام را دین خود بداند، جان و مال و عرض و شرف او در بین مسلمانان محترم است و یا مسلمان برادر مسلمان است و یا هر کس به طرف قبله ما نماز بخواند و از ذبیحه ما بخورد و دینی غیر از دین ما نداشته باشد، از ماست. در خیر و شر و ضرر و نفع با او مساوی هستیم. این دسته از امور متفق علیه تمام مسلمانان است. مسلمانان در هر چه اختلاف داشته باشند، اتفاق آن‌ها در مورد قرآن کریم کافی است که تمام آن‌ها زیر لوای اسلام و قرآن جمع شوند، زیرا قرآن بهترین وسیله و بزرگ‌ترین جامع بین فرق مسلمانان می‌باشد. قرآن در بسیاری از اصول و فروع رابط بین عموم مسلمین بوده و مخصوصاً در مهم‌ترین و محکم‌ترین رشته ارتباط که توحید و نبوت و قبله تمام فرق اسلامی را به هم مرتبط و متحد می‌سازد» (Emadzadeh, 1982: 299-300). وی در ادامه با اشاره به اصلی‌ترین مسئله اختلافی میان اهل سنت و شیعه می‌نویسد: «بزرگ‌ترین فرق اساسی بلکه یگانه موجب افتراق بین دو دسته از مسلمانان شیعه و سنی همان قضیه امامت است ... شیعه معتقد است که امامت یکی از اصول دین و در ردیف توحید و نبوت بوده و معتقد است که امامت باید از طرف خدا و رسولش (ص) منصوص باشد و امت اسلامی هیچ‌گونه اختیاری در تعیین امام ندارد، چنان‌که در تعیین نبی هم هیچ‌گونه اختیاری نداشته است. در مقابل عقیده شیعه، برادران سنی ما معتقدند که امامت از اصول دین نیست. بعضی می‌گویند باید به وسیله اجتماع بر رعیت معین می‌گردد و بعضی دیگر می‌گویند امامت یک مسئله سیاسی و اداری است و ابداً ارتباطی به دیانت ندارد، نه از اصول دین است و نه از فروع. ولی با این فاصله زیادی که بین عقیده سنت موجود است، آیا دیده شده که یک نفر شیعه امامی بگوید کسی که معتقد به امامت نباشد، مسلمان نیست؟ ابداً و معاذاً... حتی یک نفر شیعه چنین حرفی نزده و از آن طرف آیا دیده شده است که یک نفر سنی بگوید کسی که قائل به امامت است، مسلمان نیست؟ ابداً و اصلاً حتی یک نفر سنی هم چنین حرفی نمی‌زند. بنابراین امامت چه از اصول دین باشد، چه نباشد،

علاقه و ارتباطی به جامعه اسلامیت ندارد و جان و مال و عرض و شخص مسلمان محترم و بر هر مسلمانی واجب است که احترام برادر دینی خود را نگه دارد...» (Emadzadeh, 1982:300). استفاده از ارزش‌ها و اعتقادات مشترک ذکر شده، یک مؤلفه کلیدی در راستای تلاش برای ایجاد همگرایی در جهان اسلام است و تأثیر زیادی در این فرآیند دارد.

۳-۱-۴. احساس هویت مشترک اسلامی

یکی از اشتراکات مهم مسلمانان از هر قشر و مذهبی، برخورداری از هویت اسلامی و احساس تعلق به این هویت است. هویت اسلامی یک فرد عبارت از حقیقت جزئیه آن فرد به علاوه یا در ترکیب با مولفه‌های اصلی مسلمانی است و میزان قوت و استحکام این هویت به هماهنگی، انسجام و سازگاری مولفه‌ها و اجزای تشکیل دهنده آن با هم و با عالم خارج، بستگی مستقیم دارد (Aref, 2010:129). در واقع، هویت اسلامی یعنی احساس تعلق به دین اسلام داشتن و متعهد بودن به فرامین این دین و دستورات آن است. احساس هویت جمعی و مشترک مسلمانان آنها را از سایر هویت‌های جمعی کلان فرهنگی و دینی جهان متمایز می‌نماید. مسلمانان خودشان را متمایز از سازه‌های دینی کلان جهان بویژه مسیحیان، یهودیان، هندوان، بوداییان، زرتشتیان و نظایر آن می‌بینند. آنها هم‌چنین خود را متمایز از سایر سازه‌های تمدنی و فرهنگی، غربی، شرقی، چینی، هندی، لاتینی، آفریقایی، اسلاوی، کنفوسیوسی و غیر آن می‌بینند. این تفاوت نگرش مسلمانان نسبت به دیگران و نیز دیگران نسبت به مسلمانان یکی از عوامل احساس یگانگی و همگرایی بین مسلمانان محسوب می‌شود. این موضوع سازه انسانی مسلمانان جهان را در زمینه و بستر رقابت و واگرایی و گاهی اوقات خصومت، نسبت به سازه‌های بیرونی یا همان غیرها از سویی، و نیز در بستر همگرایی و الفت و تجمیع از درون سازه اسلامی یا همان خودی‌ها از سویی دیگر قرار می‌دهد. در موضوع احساس هویت مشترک اسلامی مسلمانان، مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت اسلامی و دینی و ملاک‌های مدنظر برای سنجش پایداری عملی و نظری به هویت دینی اسلامی عبارتند از: با اهمیت تلقی کردن اسلام و ضرورت اطلاع از آن؛ احساس بیزاری و تنفر از خدشه‌دار شدن اسلام؛ علاقه‌مندی به اسلام و افتخار به آن؛ باور به جایگاه والای اسلام در میان سایر ادیان؛ عضویت و مشارکت در گروه

و برنامه‌های اسلامی؛ پابندی به باورها و رعایت مقررات و احکام اسلامی؛ و تلاش عملی برای فراگیری اسلام و آشنایی با عالمان اسلام (Akhondi, 2004: 64-66). در همین ارتباط، در بررسی هویت مشترک اسلامی مسلمانان براساس این ملاک‌ها، برای همه مسلمانان، اسلام دینی با اهمیت و عمل به دستورات آن ضروری تلقی می‌شود. پیروان اسلام، در مقابل هر گونه اقدام ضد اسلامی اعم از توهین و تحقیر این دین و پیروان آن و سایر اقدام ضد اسلامی، واکنش منفی نشان می‌دهند و احساس بیزاری می‌کنند. همه مسلمانان، به دین اسلام افتخار می‌کنند و علاقه‌مندی به اسلام یک ویژگی بارز در میان مسلمانان است. مسلمانان از هر صنف و مذهبی، اعتقاد راسخ دارند که دین اسلام آخرین دین الهی و کامل‌ترین دین در میان ادیان است و جایگاه والایی دارد.

۴-۱-۴. توسعه نیافتگی مشترک

اکثر کشورهای جهان اسلام دارای درد مشترک توسعه نیافتگی می‌باشند که خود می‌تواند به همگرایی این کشورها برای تعریف و تعیین سازوکارهای همکاری متقابل و مشترک برای خروج از این وضعیت کمک نماید. آنها همواره با مشکلات قابل توجهی در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی مواجه بوده‌اند. فقر و سطح توسعه پایین، ویژگی است که همواره برای معرفی اکثر کشورهای جهان اسلامی مطرح می‌شود.

گزارش‌های اخیر بانک جهانی از کاهش نرخ فقر در کشورهای اسلامی حداقل در ۲۰ سال گذشته حکایت دارد، اما با وجود این، فقر همچنان یک مشکل مهم در جهان اسلام به حساب می‌آید (Islamic Development Bank, 2017: 8). بر اساس آخرین طبقه‌بندی کشورها از نظر سطح درآمد اقتصادی توسط بانک جهانی برای سال ۲۰۲۰ میلادی، در جهان اسلام، ۱۷ کشور (افغانستان، بنین، بورکینافاسو، چاد، گامبیا، گینه، گینه بیسائو، مالی، موزامبیک، نیجر، سیرالئون، سومالی، سوریه، تاجیکستان، توگو، اوگاندا و یمن) دارای اقتصاد با سطح درآمدی پایین با درآمد ناخالص داخلی (GNI) از ۱,۰۲۵ دلار یا کمتر هستند. ۱۷ کشور (بنگلادش، اندونزی، سنگال، قرقیزستان، سودان، پاکستان، کامرون، ساحل عاج، ازبکستان، جیبوتی، مصر، مراکش، فلسطین، موریتانی، تونس، مجمع‌الجزایر قمر (کومور) و نیجریه) اقتصادی با سطح

درآمدی متوسط رو به پایین با درآمد ناخالص داخلی (GNI) از ۱,۰۲۶ دلار تا ۳,۹۹۵ دلار دارند. ۱۶ کشور (آلبانی، جمهوری آذربایجان، الجزایر، گابن، گویان، ایران، عراق، اردن، قزاقستان، لبنان، لیبی، سورینام، مالزی، مالدیو، ترکیه و ترکمنستان) دارای اقتصاد با سطح درآمدی متوسط رو به بالا با درآمد ناخالص داخلی (GNI) از ۳,۹۹۶ دلار تا ۱۲,۳۷۵ دلار هستند. ۷ کشور (عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، کویت، بحرین، عمان و بروئی) اقتصادی با سطح درآمدی بالا با درآمد ناخالص داخلی (GNI) از ۱۲,۳۷۶ دلار یا بیش تر دارند و در ردیف کشورهای پردرآمد جهان به حساب می آیند (World Bank, 2020).

چندین کشور اسلامی دارای نرخ فقر بیش از ۴۰ درصد هستند که بیش تر آن ها در منطقه زیر صحرای آفریقا قرار دارند و بورکینافاسو (۴۰,۱ درصد)، ساحل عاج (۴۶,۳ درصد)، چاد (۴۶,۷ درصد)، نیجر (۴۸,۹ درصد)، سیرالئون (۵۲,۹ درصد)، توگو (۵۵,۱ درصد) و گینه (۵۵,۲ درصد) را شامل می شود (Islamic Development Bank, 2017:8).

صندوق بین المللی پول در آخرین گزارش خود درباره کشورهای دارای فقر شدید و بدهکار و واجد شرایط دریافت کمک از فوریه ۲۰۲۰ میلادی، ۳۹ کشور را معرفی کرده است که از این تعداد، ۲۱ کشور شامل افغانستان، موریتانی، بنین، گامبیا، موزامبیک، بورکینافاسو، گینه، گینه بیسائو، نیجر، کامرون، گویان، سنگال، چاد، سیرالئون، مجمع الجزایر قمر (کومور)، توگو، اوگاندا، ساحل عاج، مالی، سومالی و سودان در محدوده جغرافیایی جهان اسلام قرار دارند (International Monetary Fund, 25 March 2020). در شاخص «فقر چند بعدی»، نگاهی به کشورهایی که این شاخص در آن ها مورد محاسبه قرار می گیرد، نشان می دهد که تا پایان سال ۲۰۱۹ میلادی، ۷۴ درصد کشورهای عضو شورای همکاری اسلامی در گروه کشورهای دارای «فقر چند بعدی» هستند.

۱. سه بعد کلی این شاخص شامل بهداشت و سلامت؛ آموزش؛ و استانداردهای زندگی است که میزان محرومیت را مشخص می کند و الگویی متفاوتی از فقر درآمدی دارد.

در بین این کشورها، ۲۶ درصد میانگین درآمدی متوسط رو به بالا، ۳۶ درصد درآمد متوسط رو به پایین و ۳۸ درصد کشورها درآمدی پایین دارند. شاخص «فقر چند بعدی» از یک کشور به کشور دیگر متفاوت و از نرخ ۰,۴ درصد در ترکمنستان تا ۹۰,۵ درصد در نیجر متغیر است (COMCEC Coordination Office, 2019:12). در مؤلفه‌ی کمبود مواد غذایی، براساس آخرین دسته‌بندی سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) در سال ۲۰۱۸ میلادی، از مجموع ۵۱ کشور کم‌درآمد و مواجه با کمبود مواد غذایی در جهان، بیش از نیمی از کشورها یعنی ۲۷ کشور (بنین، بورکینافاسو، کامرون، چاد، مجمع‌الجزایر قمر (کومور)، ساحل عاج، جیبوتی، گامبیا، گینه، گینه بیسائو، مالی، موریتانی، موزامبیک، نیجر، سنگال، سیرالئون، سومالی، سودان، توگو، اوگاندا، افغانستان، بنگلادش، قرقیزستان، سوریه، تاجیکستان، ازبکستان و یمن) عضو سازمان همکاری اسلامی هستند (FAO 2018). البته هر چند اکثر کشورهای جهان اسلام با فقر، کم‌درآمدی و کمبود مواد غذایی مواجه هستند اما توجه به مقادیر شاخص جهانی گرسنگی در این کشورها، نشان دهنده پیشرفت‌هایی در زمینه کاهش این شاخص است. در حالی که میانگین شاخص گرسنگی کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی در سال ۲۰۰۰ میلادی، ۳۰,۴ بوده است، این میزان در سال ۲۰۱۸ میلادی به عدد ۲۱,۳ کاهش یافت. شاخص جهانی گرسنگی در کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی بین صفر تا ۴۵,۴ متغیر است. هیچ یک از کشورهای عضو، وضعیت گرسنگی بسیار نگران کننده ندارند، ۳ کشور در وضعیت هشدار و خطر هستند و ۲۰ کشور در وضعیت جدی قرار دارند که سودان شدیدترین آن است.

از طرف دیگر، ۱۳ کشور در وضعیت گرسنگی متوسط و ۸ کشور در وضعیت گرسنگی کم قرار دارند (COMCEC Coordination Office, 2019:13). در ارتباط با شاخص توسعه، مراحل مختلفی از توسعه در میان کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی وجود دارد. برخی در میان کشورهای پردرآمد قرار دارند، در حالی که بسیاری دیگر در میان کم‌درآمدها و کشورهای با درآمد متوسط هستند (Alwyni and Salleh, 2019:145). بر اساس دسته‌بندی سازمان ملل متحد درباره سطح توسعه اقتصادی کشورها، در جهان اسلام، هفت کشور آلبانی، آذربایجان،

قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان در گروه کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار طبقه‌بندی شده و سایر کشورهای اسلامی یعنی ۵۰ کشور دیگر، به عنوان اقتصادهای در حال توسعه معرفی شده‌اند (United Nations, 2020: 165-166). پیش از این، سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۸ میلادی، ۴۷ کشور جهان در دسته کشورهای با سطح توسعه پایین قرار داد که از این تعداد، ۲۲ کشور (افغانستان، بنگلادش، بنین، بورکینافاسو، چاد، مجمع‌الجزایر قمر (کومور)، جیبوتی، گامبیا، گینه، گینه بیسائو، مالی، موریتانی، موزامبیک، نیجر، سنگال، سیرالئون، سومالی، سودان، توگو، اوگاندا، یمن و زامبیا) عضو سازمان همکاری اسلامی بودند (United Nations/DESA, 27 November 2018).

بانک توسعه اسلامی نیز در گزارشی در سال ۲۰۱۷ میلادی، ۲۵ کشور از ۵۷ کشور اسلامی شامل افغانستان، بنگلادش، بنین، بورکینافاسو، قرقیزستان، فلسطین، چاد، جیبوتی، گامبیا، گینه، گینه بیسائو، مالی، مالدیو، موریتانی، مجمع‌الجزایر قمر (کومور)، موزامبیک، نیجر، سیرالئون، سنگال، سودان، سومالی، تاجیکستان، توگو، اوگاندا و یمن در گروه کشورهای با سطح توسعه‌یافتگی پایین دسته‌بندی کرد و سایر کشورها یعنی ۳۲ کشور دیگر را دارای سطح توسعه‌یافتگی به نسبت بالاتری دانست (Islamic Development Bank, 2017: ix).

بررسی روندهای کلی شاخص توسعه انسانی (HDI) با مبنا قرار دادن سه مؤلفه آموزش، سلامت (امید به زندگی) و درآمد (ثروت) در کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی در بازه زمانی ۳۰ ساله از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱ میلادی، نشان می‌دهد که این کشورها در دوره زمانی طولانی و به طور مداوم در مقایسه با سایر گروه‌بندی‌های منطقه‌ای و کشورها به نسبت شاخص جهانی، توسعه اقتصادی و اجتماعی پایین‌تری داشته‌اند. در میان کشورهای اسلامی با وجود اینکه شاخص توسعه انسانی در ۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس (PGCC) یعنی بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی در یک دوره ۳۰ ساله بالاتر از میانگین جهانی بوده است اما هم‌چنان این میزان پایین‌تر از میانگین کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) است (Askari and Rehmani, 2013: 306).

براساس اعلام برنامه توسعه سازمان ملل متحد درباره شاخص توسعه انسانی (HDI)، کشورهای

جهان اسلام با میانگین نمره ۰,۶۰۲۸ در گروه کشورهای با «توسعه انسانی متوسط» قرار می‌گیرند. در جهان اسلام از مجموع ۵۷ کشور، ۱۲ کشور (۲۱,۱ درصد کشورهای اسلامی) شامل بنگلادش، مصر، گابن، گویان، اندونزی، عراق، قرقیزستان، مراکش، پاکستان، فلسطین، تاجیکستان و ترکمنستان دارای سطح توسعه انسانی متوسط؛ و ۲۴ کشور (۴۲,۱ درصد کشورهای اسلامی) شامل افغانستان، بنین، بورکینافاسو، کامرون، چاد، مجمع‌الجزایر قمر (کومور)، ساحل عاج، جیبوتی، گامبیا، گینه، گینه بیسائو، مالی، موریتانی، موزامبیک، نیجر، نیجریه، سنگال، سیرالئون، سودان، سوریه، توگو، اوگاندا، یمن و سومالی دارای سطح توسعه انسانی پایین هستند (Islamic Development Bank, 2017: 8-10).

۵-۱-۴. اشتراک کارکرد در اقتصاد بین‌الملل

یکی از ویژگی‌های مهم جهان اسلام، برخورداری از بخش عمده منابع و ذخایر انرژی خصوصاً نفت و گاز و همچنین منابع معدنی با ارزش در جهان و نقش برجسته در صادرات این منابع است. کارکرد مزبور می‌تواند عامل همگرایی در جهت حفاظت از ارزش‌ها و منافع تولید کنندگان نفت و گاز در برابر کشورهای صنعتی پیشرفته باشد. کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی تقریباً ۶۰ درصد کل ذخایر نفت و گاز جهان را در اختیار دارند (SESRI^(b), 2019:74). براساس آمارهای ارائه شده در سال ۲۰۱۵ میلادی، کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی ۵۸,۵ درصد ذخایر نفت خام اثبات شده جهان را در اختیار داشته‌اند (Askari et al, 2017:6). تا پایان سال ۲۰۱۸ میلادی، میزان تولید نفت خام کشورهای اسلامی، ۳۴,۲ میلیون بشکه در روز و ۴۵,۲ درصد تولید جهان بوده است (SESRI^(a), 2019:88). آمارهای منابع بین‌المللی نشان می‌دهند که در جهان اسلام، ۳۴ کشور (عربستان سعودی، عراق، امارات متحده عربی، کویت، ایران، نیجریه، قزاقستان، لیبی، عمان، قطر، جمهوری آذربایجان، الجزایر، مالزی، اندونزی، بحرین، گابن، برونئی، مصر، کامرون، چاد، سودان، یمن، ساحل عاج، تونس، پاکستان، توگو، ترکمنستان، سنگال، قرقیزستان، گینه، اوگاندا، لبنان، نیجر و مراکش) در جمع صادرکنندگان نفت خام و بسیاری از آن‌ها در ردیف بزرگ‌ترین صادرکنندگان جهان قرار دارند (World's Top Exports, 16 April 2020).

سوریه نیز یکی از کشورهای اسلامی دارای ذخایر و صادر کننده نفت است که در چند سال گذشته به دلیل شرایط جنگی در این کشور و تسلط گروه‌های تروریستی بر منابع نفتی آن، در گروه کشورهای صادرکننده قرار نداشته است. در موضوع استخراج و تولید گاز طبیعی نیز، تا پایان سال ۲۰۱۸ میلادی، از ۳,۹۵۲ میلیارد استاندارد متر مکعب استخراج گاز طبیعی در جهان، ۱,۲۶۴ میلیارد استاندارد متر مکعب متعلق به کشورهای اسلامی بوده است که ۳۲ درصد تولید گاز طبیعی جهان را تشکیل می‌دهد (SESRIC^(a), 2019:75). در میان کشورهای اسلامی، ۴۰ کشور (ایران، قطر، عربستان سعودی، ترکمنستان، امارات متحده عربی، نیجریه، الجزایر، عراق، اندونزی، موزامبیک، قزاقستان، مصر، ازبکستان، کویت، لیبی، مالزی، جمهوری آذربایجان، عمان، پاکستان، یمن، بروئی، سوریه، بنگلادش، کامرون، بحرین، سودان، تونس، افغانستان، گابن، موریتانی، ساحل عاج، اوگاندا، ترکیه، اردن، قرقیزستان، تاجیکستان، سومالی، مراکش، بنین و آلبانی) نیز دارای ذخایر گاز طبیعی و از کشورهای مهم در صادرات این منبع انرژی هستند (Worldmeter, 2020). بانک توسعه اسلامی در گزارشی در سال ۲۰۱۷ میلادی درباره کشورهای صادر کننده سوخت جهان اسلام، ۱۸ کشور (الجزایر، جمهوری آذربایجان، بحرین، بروئی، چاد، گابن، ایران، عراق، قزاقستان، کویت، لیبی، نیجریه، قطر، عمان، عربستان سعودی، ترکمنستان، امارات متحده عربی و یمن) از صادرکنندگان سوخت و مواد سوختی معرفی کرده است (Islamic Development Bank, 2017: ix). در بخش منابع معدنی، ارزش کل ذخایر منابع از جمله طلا جهان اسلام تا پایان سال ۲۰۱۸ میلادی، حدود ۱,۶ تریلیون دلار یعنی ۱۲,۶ درصد منابع جهان بوده است (SESRIC^(a), 2019:250). حدود ۲۶ کشور مسلمان (ترکیه، عربستان سعودی، لبنان، الجزایر، قزاقستان، لیبی، کویت، مصر، پاکستان، مالزی، عراق، سوریه، مراکش، افغانستان، نیجریه، اردن، بنگلادش، قطر، تاجیکستان، آذربایجان، بحرین، بروئی، قرقیزستان، بوسنی و هرزگوین، آلبانی و یمن) دارای ذخایر قابل توجه طلا هستند. بزرگ‌ترین معادن طلای جهان در ازبکستان و اندونزی قرار دارند. آسیای مرکزی دارای منابع طبیعی غنی است. قزاقستان منابع سوختی معدنی و فسیلی گسترده‌ای از جمله نفت، گاز طبیعی، اورانیوم، کروم، سرب، روی و مس دارد. این کشور دارای دومین ذخایر اورانیوم، کروم، سرب و روی

در جهان، سومین ذخایر منگنز و پنجمین ذخایر مس است، و در بین ۱۰ کشور برتر جهان در ذخایر زغال سنگ، آهن و طلا قرار دارد. ازبکستان حدود ۰٫۸ درصد ذخایر گاز طبیعی جهان و ذخایر قابل توجهی از طلا، مس، سرب و اورانیوم را در اختیار دارد. بوکسیت که منبع اصلی آلومینیوم است در گینه، ایران و قزاقستان یافت می‌شود. گینه در غرب آفریقا دارای بزرگ‌ترین ذخایر بوکسیت جهان است. ایران حدود ۷ درصد از منابع معدنی جهان از جمله روی، مس، اورانیوم، آهن و سرب را در اختیار دارد. این کشور دارای بزرگ‌ترین ذخایر روی، دومین ذخایر مس، نهمین معادن آهن، دهمین معادن اورانیوم و یازدهمین معادن سرب در جهان است. مالزی دومین و اندونزی چهارمین ذخایر قلع در جهان را دارد.

براساس بررسی‌های انجام شده توسط سازمان زمین شناسی ایالات متحده آمریکا و پنتاگون در افغانستان، این کشور دارای ذخایر گسترده و دست نخورده‌ای از منابع معدنی با ارزش از جمله طلا، مس، سنگ آهن، کبالت، نفت و گاز طبیعی و همچنین عناصر خاکی کمیاب مانند لیتیوم و نیوبیوم است. قرقیزستان دارای ذخایر قابل توجهی از فلزات و مواد معدنی از جمله زغال سنگ، طلا، اورانیوم، سنگ سرمه و فلزات کمیاب است (Momin, 2013). در سایر مناطق و کشورهای اسلامی نیز منابع غنی از انواع مواد معدنی وجود دارد. در منابع جنگلی نیز کشورهای جهان اسلام در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارند. بسیاری از کشورهای مسلمان مانند مالزی و اندونزی، منابع جنگلی غنی و فراوانی دارند. نزدیک به ۷۰ درصد از کل مالزی تحت پوشش جنگل است. کشورهای مسلمان غرب آفریقا از جمله گینه، نیجریه و موریتانی نیز از منابع جنگلی غنی برخوردار هستند (Momin, 2013).

۶-۱-۴. وجود نهادهای همگراساز منطقه‌ای

در جغرافیای جهان اسلام و در راستای همکاری و هماهنگی کشورهای اسلامی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... تاکنون چند سازمان و اتحادیه منطقه‌ای شکل گرفته است که مهم‌ترین آن‌ها به شرح ذیل است:

سازمان همکاری اسلامی (OIC): این سازمان پس از برگزاری کنفرانس سران کشورهای اسلامی در ۲۲ تا ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۹ در رباط مراکش، در واکنش و اعتراض به موضوع به آتش

کشیده شدن مسجدالاقصی در بیت المقدس توسط اسرائیل (۲۱ آگوست ۱۹۶۹ میلادی) با نام سازمان کنفرانس اسلامی شکل گرفت و در سال ۲۰۱۱ میلادی، به سازمان همکاری اسلامی (OIC) تغییر نام پیدا کرد. در این سازمان، ۵۷ کشور اسلامی عضویت دارند (Gutiérrez Castillo and Cruz Ángeles, 2015:173-174). سازمان همکاری اسلامی بزرگترین سازمان اسلامی و دومین سازمان بین دولتی بزرگ پس از سازمان ملل متحد است که از چهار قاره آفریقا، آسیا، اروپا و آمریکای جنوبی عضو دارد (Charter of the Organisation of Islamic Cooperation, Article 3). این اتحادیه به اتحادیه عرب شهرت دارد، در ۲۲ مارس ۱۹۴۵ میلادی با حضور ۶ کشور مصر، عراق، اردن، لبنان، عربستان سعودی و سوریه تأسیس شد (Hossain, 2012:303). دلایل اصلی شکل‌گیری اتحادیه عرب، رشد ملی‌گرایی عربی با هدف مستقل بودن کشورهای عرب زبان، مقابله با خطر اقدامات اسرائیل و افزایش مهاجرت یهودیان صهیونیست به فلسطین، و تسهیل در روابط تجاری و سفر شهروندان عرب در کشورهای عربی بود (جامعه الدول العربیه، تاریخ الجامعه). این اتحادیه در حال حاضر، ۲۲ عضو از کشورهای عربی در مناطق غرب آسیا، شمال و شاخ آفریقا دارد (جامعه الدول العربیه، الدول الأعضاء). شورای همکاری خلیج فارس: این شورا در ۲۵ می ۱۹۸۱ میلادی در ریاض عربستان سعودی آغاز به کار کرد. اعضای این شورا کشورهای حوزه خلیج فارس یعنی بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی را شامل می‌شود که جزء کشورهای پردرآمد جهان اسلام هستند (Hossain, 2012:311).

سازمان همکاری اقتصادی دی ۸: این سازمان برای ارتقای سطح همکاری‌ها میان ۸ کشور در حال توسعه شامل بنگلادش، مصر، اندونزی، ایران، مالزی، نیجریه، پاکستان و ترکیه با هدف بهبود جایگاه کشورهای عضو در اقتصاد جهان، ایجاد فرصت‌های جدید در روابط تجاری کشورها، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها در سطح بین‌الملل و بهبود استانداردهای زندگی، به صورت رسمی در ۱۵ ژوئن ۱۹۹۷ میلادی در استانبول آغاز به کار کرد (D-8 Organization for Economic Cooperation).

سازمان همکاری‌های اقتصادی (اکو): در سال ۱۹۶۴ میلادی با عنوان سازمان همکاری منطقه‌ای برای توسعه (RCD) توسط ایران، پاکستان و ترکیه تأسیس شد و در سال ۱۹۸۵ به سازمان همکاری‌های اقتصادی (ECO) تغییر نام داد.

در سال ۱۹۹۲ و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، افغانستان و شش جمهوری شوروی سابق یعنی آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان نیز به این سازمان پیوستند. اکو با عضویت ۱۰ کشور منطقه یکی از بزرگ‌ترین سازه‌های منطقه‌ای در آسیا با بیش از ۴۶۰ میلیون نفر جمعیت و بیش از ۸ میلیون کیلومتر مربع وسعت است که هدف کلی و اصلی آن، توسعه اقتصادی پایدار کشورهای عضو و کل منطقه اعلام شده است (Economic Cooperation Organization).

اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی: این اتحادیه یک اتحادیه رسانه‌ای است که در خرداد ۱۳۸۶ تأسیس شد. در حال حاضر، بیش از ۲۱۰ عضو از ۳۵ کشور جهان و از ۵ قاره دارد. هدف عمده آن به کارگیری رسانه به منظور دفاع از مقدسات و مصالح امت اسلامی و حمایت از حقوق جوامع و کشورهای اسلامی و خواست‌های عادلانه آن‌ها، و تبادل تولیدات و تجربیات میان اعضاء اعلام شده است (Islamic Radios and Televisions Union).

سایر سازمان‌ها و اتحادیه‌های بین‌المللی اسلامی شامل سازمان اوپک (کشورهای صادرکننده نفت)، شورای وحدت اقتصادی عرب (بازار مشترک عربی)، اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا (آ.سه.آن)، اتحادیه مغرب عربی (Safavi, 2008: 198-199)، سازمان اسلامی، آموزشی، علمی و فرهنگی (آی‌سی‌اس‌کو)، انجمن جهانی اسلام، اتحادیه علمای جهان اسلام، اتحادیه جهان اسلام، سازمان بین‌المللی شهرها و پایتخت‌های اسلامی، شورای حکمای مسلمان، اتحادیه جهانی علمای مسلمان، شورای بین‌المللی تبلیغات و امداد رسانی اسلامی، جمعیت بین‌المللی خیریه اسلامی و... است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

وضعیت جهان اسلام در ارتباط با انسجام، اتحاد و همگرایی، بنا به دلایل مختلف در شرایط مطلوبی قرار ندارد و با وجود اشتراکات قابل توجه، اختلافات و واگرایی در جهان اسلام هم‌چنان آسیبی جدی در مسیر همگرایی، پیشرفت و توسعه کشورها و ملت‌های مسلمان است. هم‌چنان که مسائل و مشکلات مختلفی زمینه‌ساز واگرایی‌ها در جهان اسلام است، در نقطه مقابل، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های مناسبی در این محدوده جغرافیایی و انسانی وجود دارد که می‌تواند در برآیندی کلی، زمینه همگرایی، اتحاد و انسجام رفتاری کشورهای مسلمان را فراهم کند. جهان اسلام در میان تمام ویژگی‌هایی که می‌توان برای آن نام برد، دارای چند ویژگی مهم «تهدیدهای مشترک علیه جهان اسلام»، «ارزش‌های دینی و اعتقادی مشترک»، «احساس هویت مشترک اسلامی»، «توسعه نیافتگی مشترک»، «اشتراک کارکرد در اقتصاد بین‌الملل» و «وجود نهادهای همگراساز منطقه‌ای» است که هر یک از آن‌ها می‌تواند نقش مؤثری در همگرایی جهان اسلام داشته باشد. در موضوع «تهدیدهای مشترک علیه جهان اسلام»، کشورهای اسلامی با سه تهدید اصلی یعنی غرب و در رأس آن ایالات متحده آمریکا، حضور اسرائیل در جهان اسلام و افراطی‌گری و فعالیت‌های گروه‌های تروریستی خشونت‌گرا با برچسب اسلام‌گرایی مواجه هستند. تهدیدات متوجه جهان اسلام از جانب این سه ضلع تهدید، در عرصه فرهنگی و هویتی، تمامیت ارضی، استقلال، حاکمیت و... است. این موضوع می‌تواند کشورهای اسلامی را برای مقابله جدی با تهدیدات گرد هم آورده و با ایجاد سازوکاری منسجم در محور همکاری‌های فرهنگی، امنیتی، سیاسی و... ضمن دفع تهدید، فراهم کننده زمینه اتحاد کشورها و جوامع اسلامی باشد.

در ارتباط با مؤلفه‌ی «ارزش‌های دینی و اعتقادی مشترک»، مسلمانان در اکثر موضوعات دینی دارای اعتقادات مشترک هستند که مهم‌ترین آن‌ها اعتقاد به اسلام، توحید، نبوت و معاد، پیامبر، کتاب آسمانی قرآن، حج، قبله‌گاه و مرجع جغرافیایی مشترک، و غیر آن است. با وجود چالش‌های مختلفی که هر یک از کشورهای اسلامی با آن مواجه هستند، آن‌ها حداقل «اسلام»

را به عنوان یک ارزش اجتماعی و فرهنگی مشترک پذیرفته‌اند. نگاهی به تاریخ اسلام در شبه‌جزیره عربستان در دوره قبل و بعد از اسلام، حاکی از تحول بزرگی است.

ظهور اسلام و فرآیند پس از آن، تحول عظیمی را در این منطقه به وجود آورد که منجر به پیشرفت شد. عرب‌ها که در میان دو قدرت زمان خود یعنی رومی‌ها و فارس‌ها مورد توجه نبودند، پس از اسلام و در مدت کوتاهی به قدرت جدیدی تبدیل شدند و به سلطه این دو قدرت پایان دادند. فارس‌ها اسلام را پذیرفتند و سهم بسزایی در ظهور تمدن اسلامی داشتند (Alwyni and Salleh, 2019: 145). خدمات ایرانیان مسلمان به اسلام در جبهه‌های مختلف نشر و تبلیغ و دعوت ملت‌های دیگر، سربازی و نظامی، علم و فرهنگ، و ذوق و صنعت و هنر صورت گرفت (Motahari, 1978: 374). بسیاری از ملل دیگر نیز که پس از آن اسلام را پذیرفتند، در روند پیشرفت این تمدن نقش داشتند و در جریان روند تحقق آن، ملت‌ها نیز متمدن‌تر و توسعه‌یافته شدند (Alwyni and Salleh, 2019: 145). بنابراین اتحاد و همگرایی با تکیه بر ارزش‌های دینی و اعتقادی مشترک می‌تواند همچنان زمینه‌ساز پیشرفت جهان اسلام باشد.

مؤلفه «احساس هویت مشترک اسلامی»، اشاره به تعهد و احساس تعلق مسلمانان با هر گرایش و مذهب اسلامی به دین اسلام دارد. مسلمانان در کنار هویت‌های ملی و مذهبی که دارند، در اصل مسلمان بودن اشتراک کامل و واحد دارند. در میان بزرگ‌ترین مذاهب اسلامی یعنی مذهب اهل سنت و شیعه و هم‌چنین سایر فرق اسلامی، پیروان این مذاهب و فرق، قبل از معرفی خود به عنوان سنی یا شیعه یا پیرو هر فرقه دیگری، خود را مسلمان و پیرو دین اسلام می‌دانند. آنها بر این اساس خود را در برابر سایر سازه‌های دینی و فرهنگی جهان تعریف نموده و مرزهای ذهنی و واقعی بین خود و دیگران (آنها) قائل هستند. این موضوع در ایجاد همگرایی و اتحاد مسلمانان نقش بسیار مهم و تأثیرگذاری دارد و از مؤلفه احساس هویت مشترک اسلامی می‌توان به عنوان ظرفیت و قابلیت مهمی برای همگرایی در جهان اسلام بهره‌گیری کرد.

«توسعه نیافتگی مشترک» مؤلفه منفی در جهان اسلام و دردی مشترک برای اکثر کشورها و ملت‌های اسلامی است. فارغ از اینکه دلیل یا دلایل آن چیست، همگرایی و عقل جمعی که می‌تواند گره‌گشای مسئله و در نهایت ابزاری برای اتحاد باشد، اهمیت پیدا می‌کند؛ فرآیندی که با یک برنامه‌ریزی می‌تواند تهدید را تبدیل به فرصت کند. فقر درآمدی و چند بعدی و سطح توسعه متوسط و پایین مسلمانان با وجود منابع غنی که در اختیار دارند، نیاز به راهکاری برای رفع شدن دارد که در دنیای کنونی، همگرایی و مشارکت جدی و با برنامه کشورهای گرفتار این معضل، می‌تواند کاهش‌دهنده رنج فقر و توسعه نیافتگی بیش‌تر ملت‌های مسلمان باشد.

«اشتراک کارکرد در اقتصاد بین‌الملل» مؤلفه دیگری است که می‌توان به واسطه آن در جهان اسلام در راستای همگرایی کشورها حرکت کرد. هم‌چنین، این ویژگی یک مزیت اساسی برای کشورهای اسلامی در مدیریت منابع اصلی انرژی فسیلی در جهان است که به طور بالقوه می‌تواند باعث رشد و توسعه این کشورها شود. یکی از دلایل اصلی توسعه پایین کشورهای اسلامی، وجود مشکلات ظرفیتی در بهره‌برداری و استفاده بهینه از منابع طبیعی موجود به نفع ساکنان این کشورها است (SESRIC^(b), 2019:74). یکی از راهکارهای تحقق این هدف مهم، همگرایی و ارتباط متقابل و منسجم در حوزه‌های تخصصی انرژی و هم‌چنین منابع معدنی میان کشورها است.

از سوی دیگر، بسیاری از کشورهای اسلامی از غرب، جنوب، جنوب‌غرب، جنوب‌شرق آسیا و آسیای مرکزی تا آفریقا با برخورداری از منابع غنی مادی مشترک مانند نفت و گاز طبیعی و منابع معدنی در زمره صادرکنندگان برتر این محصولات هستند، لذا دفاع از منافع مشترک با موضوع این ارزش مادی، می‌تواند زمینه همگرایی کشورها در جهان اسلام را فراهم کند. در ارتباط با مؤلفه «وجود نهادهای همگراساز منطقه‌ای»، یکی از اهداف مهم ایجاد سازه‌های منطقه‌ای در قالب سازمان‌ها، اتحادیه‌ها و شوراها با موضوعات مختلف سیاسی، امنیتی، فرهنگی، اقتصادی، علمی و... فراهم کردن زمینه مشارکت و ارتباط متقابل برای تحقق توسعه و پیشرفت کشورها است. در جهان اسلام به واسطه اشتراکات در زمینه‌های مختلف، چندین سازه منطقه‌ای شکل گرفته‌اند. این سازه‌ها به صورت بالقوه پتانسیل مناسبی برای تحقق

همگرایی‌ها به معنای واقعی هستند اما به دلایل مختلف در عمل نتوانسته‌اند در جهان اسلام تأثیرگذار در جهت نیل به اهداف پیش‌بینی شده خود باشند. به نظر می‌رسد اگر سازوکار فعالیت این سازه‌ها در جهت کارآمدی تدوین و مدیریت شود، می‌تواند ابزار مهم و مؤثری در جهت ایجاد همگرایی در میان کشورها و ملت‌های اسلامی باشد.

در مجموع، با توجه واگرایی‌های موجود در جهان اسلام و نیاز این سازه فرهنگی - جغرافیایی به اتحاد و همگرایی میان کشورها و ملت‌های مسلمان، لازم است با تأکید کشورها بر ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی موجود، در جهت تحقق این امر حرکت کرد. در این راستا، بسترهایی که مورد اشاره و تحلیل قرار گرفتند، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های مؤثر و زمینه‌ساز در ایجاد همگرایی در جهان اسلام هستند که می‌توانند مورد توجه و فرآوری قرار بگیرند. در این رابطه، تمام کسانی که دغدغه همگرایی جهان اسلام را دارند، اعم از سطح شهروندی و مردمی، حکومتی و دولتی، نخبگی و مرجعیتی، روشنفکری، نهادی (سیاسی / اجتماعی / فرهنگی) و از همه مهم‌تر علمای دینی همه مذاهب اسلامی، نقش تعیین‌کننده و مهمی دارند.

۶. قدردانی

نویسندگان از حمایت‌های دانشگاه تربیت مدرس کمال تشکر و قدردانی را دارند.

References

1. Abolfazli Karizi, Hossein; Sotoudeh, Mohammad (2019). Analysis of the components affecting the convergence of Islamic countries (with emphasis on the capacities of the Islamic Revolution), *Quarterly Journal of New Attitudes in Human Geography*, Year 11, Issue 4. **[In Persian]**
2. Ahmadipour, Zahra; Kavandi Kateb, Abolfazl ; Mirzaei Tabar, Meysam (2010). Challenges of the Islamic World in the Field of Globalization, *Proceedings of the 4th International Congress of Geographers of the Islamic World (ICIWG 2010)*, April 27-25, Iran, Zahedan. **[In Persian]**
3. Akhondi, Mohammad Baqer (2004). *National-Religious Identity of Youth*, Qom: Qom Book Bostan. **[In Persian]**
4. Alwyni, Farouk Abdullah; Salleh, Muhammad Syukri (2019). Discourses on Development and the Muslim World, *International Journal of Business and Social Science*, Vol. 10, No. 11, November. doi: 10.30845 /ijbss. v10n 11p16.
5. Aref, Reza (2010). Our Islamic Identity, *Quarterly Journal of Islamic Studies*, Fourth Issue, Spring and Summer. **[In Persian]**
6. Askari, Hossein; Rehmani, Scheherazade (2013). A Survey of the Economic Development of OIC Countries. In: *Economic Development and Islamic Finance*, Edited by Zamir Iqbal and Abbas Mirakhor, Washington DC: The World Bank.
7. Askari, Hossein; Mohammadkhan, Hossein; Mydin, Liza (2017). *Reformation and Development in the Muslim World: Islamicity Indices as Benchmark*, Cham, Switzerland: Palgrave Macmillan.
8. Beygi, Mehdi (2010). Israel's Threats to the Middle East, *Regional Research Quarterly*, No. 3, Spring. **[In Persian]**
9. COMCEC Coordination Office (2019). *COMCEC Poverty Outlook 2019*, Ankara/Turkey: Organization of Islamic Cooperation (COMCEC), October. Retrieved from: http://www.sbb.gov.tr/wp-content/uploads/2019/11/COMCEC-POVERTY-OUTLOOK_October-2019.pdf
10. D-8 Organization for Economic Cooperation, *Brief History of D-8*, Accessed (9 June 2020). Retrieved from: <http://developing8.org/about-d-8/brief-history-of-d-8/>
11. Drysdal, Alasdair; Blake, Gerald (2007). *Political Geography of the Middle East and North Africa*, translated by Doreh Mir Haidar (Mohajerani), Tehran: Ministry of Foreign Affairs, Office of Political and International Studies. **[In Persian]**
12. Economic Cooperation Organization (ECO), *History*, Accessed (17 Jun 2020). Retrieved from: http://www.eco.int/general_content/86055-History.html?t=General-content
13. Emadzadeh, Hossein (1982). *History of the Islamic World: Islam in the*

- World, Volume One, Tehran: Azadeh Publications and Mohammad Publishing. **[In Persian]**
14. Ezati, Ezatullah (1999). Political Geography of the Islamic World, Qom: Textbook Compilation Unit. **[In Persian]**
 15. Food and Agriculture Organization (FAO) (2018). Low-Income Food-Deficit Countries (LIFDCs) - List for 2018. Retrieved from: <http://www.fao.org/countryprofiles/lifdc/en/>
 16. Fuller, Graham; Lesser, Yan (2005). The feeling of siege: Geopolitics of Islam and the West, translated by Alireza Farshchi and Ali Akbar Karami, Tehran: Islamic Revolutionary Guard Corps, Faculty of Command and Staff, High School of War. **[In Persian]**
 17. Goli Zavareh, Gholamreza (2006). Geography of the Islamic World: Familiarity with Islamic Countries and the Realm of Muslim Minorities, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publishing Center. **[In Persian]**
 18. Gutiérrez, Castillo; Víctor, Luis; Cruz Ángeles, Jonatán (2015). Islam and International Organizations: The Organization of Islamic Cooperation. In: Evolutions in the law of international organizations, Editors: Roberto Virzo and Ivan Ingravallo, Netherlands: Brill/Nihoff.
 19. Haas, Ernest B (2008). A Study of Regional Convergence: Reflections on the Happiness and Bitterness of Pre-Theory Building. In: Basic Concepts in International Relations: Society and Cooperation in International Relations, edited by Andrew Linklater, translated by Bahram Direct, Second Edition, Tehran: Office of Political and International Studies (Ministry of Foreign Affairs). **[In Persian]**
 20. Hafeznia, Mohammad Reza (2000). Fundamentals of Political and Social Studies (2), Qom: Organization of Schools Abroad. **[In Persian]**
 21. Hafeznia, Mohammad Reza (2011). Geopolitical Principles and Concepts, Third Edition, First Edition, Mashhad: Papli. **[In Persian]**
 22. Hossain, Ishtiaq (2012). Muslim Ummah, International Organisations, and Human Development in the MMCs. In: The Muslim World in the 21st Century: Space, Power, and Human Development, Editor: Samiul Hasan, New York: Springer
 23. International Monetary Fund (IMF), Debt Relief Under the Heavily Indebted Poor Countries (HIPC) Initiative, (2020). Retrieved from: <https://www.imf.org/en/About/Factsheets/Sheets/2016/08/01/16/11/Debt-Relief-Under-the-Heavily-Indebted-Poor-Countries-Initiative>
 24. Islamic Development Bank (2017). key development indicators for the IDB member countries 2017 (Statistical Yearbook No.37), Data Resources and Statistics Division Economic Research and Policy Department, Group Chief Economist Complex, Jeddah, Kingdom of Saudi Arabia: Islamic Development Bank, Shabaan 1438H (May 2017).

25. Islamic Radios and Televisions Union, About the Union, Accessed (9 June 2020). Retrieved from: <https://irtvu.com/article.php?id=375796>
26. Momin, A.R. (2013). The Muslim world's Abundant and Rich Resources: Potential, Prospects and Impediments, The IOS Minaret [an online Islamic magazine], Vol. 8, Issue 10 & 11, 01-31 October. Retrieved from: https://www.iosminaret.org/vol-8/issue10-11/Muslim_World.php
27. Motahari, Morteza (1978). Mutual Services between Iran and Islam, Qom: Sadra. **[In Persian]**
28. Organisation of Islamic Cooperation, Charter of the Organisation of Islamic Cooperation (OIC). Retrieved from: https://www.oic-oci.org/upload/documents/charter/en/oic_charter_2018_en.pdf
29. Safavi, Seyyed Yahia (2008). Unity of the Islamic World: The Perspective of the Future, Tehran: Shakib. **[In Persian]**
30. SESRIC (a) (2019). Statistical Yearbook on OIC Member Countries 2019. The Statistical, Economic and Social Research and Training Centre for Islamic Countries, Ankara. Retrieved from: <https://www.sesric.org/publications-detail.php?id=499>
31. SESRIC (b) (2019). OIC Economic Outlook 2019: Mobilizing Financial Resources for Development, Economic Development Studies. The Statistical, Economic and Social Research and Training Centre for Islamic Countries, Ankara. Retrieved from: <http://www.comcec.org/en/wp-content/uploads/2019/11/3-Outlook-2019-EN.pdf>
32. United Nations (2020). World Economic Situation and Prospects 2020, New York: United Nations publication.
33. United Nations/DESA, The Least Developed Country Category: (2018) Country Snapshots, United Nations: Department of Economic and Social Affairs, Committee for Development Policy. 27 November 2018. Retrieved from: <https://www.un.org/development/desa/dpad/publication/2018-country-snapshots/>
34. World Bank (2020). World Bank Country and Lending Groups (Country Classification). Retrieved from: <https://datahelpdesk.worldbank.org/knowledgebase/articles/906519-world-bank-country-and-lending-groups>
35. World Population Review (2020). Muslim Population By Country 2020. Retrieved from: <https://worldpopulationreview.com/countries/muslim-population-by-country>
36. Worldmeter, Natural Gas Reserves by Country (Accessed 8 June 2020). Retrieved from: <https://www.worldometers.info/gas/gas-reserves-by-country>
37. World's Top Exports, Crude Oil Exports by Country, (16 April 2020). Retrieved from: <http://www.worldstopexports.com/worlds-top-oil-exports-country>

38. Zafarkhan, Zubair (2019). A Digital Survey of Development in the Muslim World as in 2019, Australian Journal of Islamic Studies, Vol. 10, October.

۳۹. جامعه الدول العربيه، الدول الأعضاء، ۱۷ شوال ۱۴۴۱. فی: **[In Arabic]**

<http://www.leagueofarabstates.net/ar/aboutlas/Pages/CountryData.aspx>.

۴۰. جامعه الدول العربيه، تاريخ الجامعه، ۱۷ شوال ۱۴۴۱. فی: **[In Arabic]**

<http://www.lasportal.org/ar/aboutlas/Pages/HistoricalOverView.aspx>.